آینه امروز

جمهوری اسلامی

نماینده مردم رشت در مجلس‌شورای‌اسلامی با انتقاد از انجام عملیات دیوارکشی اطراف ساختمان مجلس، این کار را غیرمنطقی و غیرضرور و دارای تبعات منفی دانست و گفت: این اقدام القای فضای ناامنی در جامعه است. غلامعلی جعفرزاده در نطق میان‌دستور خود در جلسه علنی دیروز (سه‌شنبه) مجلس، افزود: من به دیوارکشی اطراف مجلس اعتراض دارم. حالا که مذاکرات مجلس مستقیما به گوش مردم می‌رسد مجلس باید از همه جهات اتاق شیشه‌ای باشد و نباید ارتباطش با مردم قطع شود. وی با تأکید بر اینکه انجام هزینه دیوارکشی غیرمنطقی و غیرضروری است، یادآور شد: این کار تبعات منفی شدیدی دارد و نفس این اقدام القای فضای ناامنی در جامعه است. شنیده شده که این نظر پدافند غیرعامل است و در رابطه با نهاد ریاست‌جمهوری نیز اقدام مشابهی درحال انجام است، اما من به‌عنوان نماینده مردم خواستار برچیده‌شدن دیوار بین خادمین ملت یا مردم هستم.

کیهان

روزنامه یو اس‌ای‌تودی گزارش داد اختلافات ایران و آمریکا بر سر توافق هسته‌ای افزایش یافته است.

این روزنامه نوشت: دو هفته پس از آنکه قدرت‌های غربی و ایران از دستیابی به یک چارچوب توافق برای مهارکردن برنامه هسته‌ای تهران خبر دادند، شکاف‌های فزاینده میان دو طرف در حال نمایان‌شدن است. در حالی که مذاکره‌کنندگان آماده می‌شوند از هفته آینده کار را روی توافق نهایی در وین آغاز کنند، آمریکا و ایران بر سر مسائل کلیدی اختلاف دارند که مبنای توافق دوم آوریل لوزان سوئیس است. این مسائل شامل زمان لغو تحریم‌های ایران، تعداد سانتریفیوژهایی که ایران می‌تواند برای غنی‌سازی اورانیوم حفظ کند و مدت توافق نهایی، می‌شود. یواس‌ای‌تودی خاطرنشان کرد: سه‌شنبه گذشته سنای آمریکا بر سر یک طرح فراجناحی به توافق رسید که به این نهاد حق اظهارنظر درباره توافق احتمالی را می‌دهد. این نیز به دشواری‌های مذاکرات هسته‌ای افزود. کاخ‌سفید اعلام کرد باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا این طرح را، که برای وتوکردن هرگونه توافق نهایی احتمالی به دو سوم آراء سنا نیاز خواهد داشت، امضا خواهد کرد.

وطن امروز

سعید ملکی

آمریکا؛ دولتی که قابل‌اعتماد نیست

با مروری بر تاریخچه نوع کنشگری دولت ایالات‌متحده در مناطق مختلف دنیا می‌توان چرایی شکل‌گیری «هویت شیطانی» امروزی این دولت در نزد افکار عمومی دنیا به‌ویژه امت اسلام را به‌خوبی درک کرد. ویژگی‌های رفتاری‌ای چون «بدعهدی»، «حیله‌گری»، «تفرقه‌اندازی» و... تبدیل به «روتین»های رفتاری دولت آمریکا شده است. «جان پرکینز» در کتاب مشهورش با عنوان «اعترافات یک جنایتکار اقتصادی» با نگارش خاطرات شخصی خود، گوشه‌هایی از جنایات دولت ایالات‌متحده در کشورهای مختلف دنیا به‌ویژه کشورهایی چون ایران زمان پهلوی، نیکاراگوئه، مصر و چندین کشور دیگر را به تصویر کشیده است. عصاره کلام پرکینز در این کتاب آن است که تنها «دولت‌های ابله و ناکارآمد» دل به آمریکا خواهند بست. دولت‌هایی که به‌دلیل فقدان پشتوانه مردمی و تنها برای تثبیت حکومت خود به «مزدوران» دولت آمریکا در کشور خود تبدیل می‌شوند.

آفتاب

سیدعلیرضا کریمی

آقای رحمانی‌فضلی! کوتاه نیایید

دلواپسان «پول‌های کثیف» حکایت جالبی دارند؛ از یک‌سو می‌گویند وزیر کشور اگر سند و مدرکی دارد «رو» کند اما از سوی دیگر از رسانه‌ای‌شدن موضوع فوق به‌شدت آشفته هستند. جالب‌تر آنکه تا همین دو روز پیش می‌گفتند رحمانی‌فضلی هرآنچه در چنته دارد بگوید اما از سوی آنان دعوتی صورت نمی‌گرفت تا وزیر کشور در میهمانی مجلس سخنان خود را مطرح نماید. اما بالاخره این بازی به پایان رسید؛ طبق گفته سخنگوی هیأت‌رئیسه مجلس هفته آینده رحمانی‌فضلی در مجلس حضور و درخصوص پول‌های کثیف سخنرانی خواهد نمود. اتفاقا آقای وزیر دیروز به‌شدت از این دعوت استقبال نموده و گفته که اسناد و مدارکش در این باب آماده شده است. فلذا باید منتظر هفته آینده بود تا این سخنرانی صورت گیرد. اما به نظر می‌رسد نبایستی یک نکته مهم را در این میان از ذهن دور داشت، سخنگوی هیأت‌رئیسه مجلس تأکید نموده که جلسه به‌صورت علنی برگزار خواهد شد؛ یعنی تمام مردم کشورمان می‌توانند از رادیو فرهنگ به‌صورت مستقیم بشنوند پول‌های کثیف از چه مجرایی و چگونه در سیاست خرج شده است. البته باید امیدوار باشیم که در لحظه پایانی تصمیم مجلس تغییر نکند و بر وعده خود باقی بماند.

یادداشت

فضای جامعه، سد مدیریت مستقل دانشگاه شد

ابراهیم اصغرزاده
دانشجوی سابق خط امام

در سطح کلان کشور هیچ هدف مشخصی به‌عنوان هدف اولیه انقلاب فرهنگی وجود نداشت. انقلاب فرهنگی یک هدف ثانویه برای انقلاب بود که بعد از برخی عملکردهای گروه‌های سیاسی به ذهن مسئولان کشور رسید که شاید از این طریق امور آموزش‌عالی و دانشگاه‌ها را اصلاح کنند. در ماجرای انقلاب فرهنگی، ما شاهد سه نیروی پیش‌برنده بودیم. هریک از این سه نیرو از دید خود به دانشگاه نگاه می‌کردند. نیروی اول نگاه برخی علمای حوزه علمیه بود که کاملا دیدگاه سنتی نسبت به علم و دانشگاه داشت و انتظار داشت، دانشگاه در حاشیه و منطقه پشتیبانی حوزه علمیه باشد. نیروی دوم، نیروی انقلابی راست بود یعنی نیروی مذهبی راست که انتظارش از دانشگاه و محیط علمی این بود که محصولی کاملا مشترک و منطبق با نگاه حاکم تولید کند. ایده آنها هم پاکسازی فرهنگی بود. یک نیروی سوم مذهبی چپ هم بود که منظورش از اصلاح دانشگاه، بومی‌سازی دانشگاه و همسوشدن با نیازهای جامعه بود. هرسه این نیروها، دلشان می‌خواست دانشگاه تغییر کند اما دو نیروی نخست دست‌بالا را گرفتند و بعد از اینکه انقلاب فرهنگی شد، تصفیه گسترده‌ای انجام شد. در مورد گروه سوم بحث مدیریت دانشگاه قابل طرح است. چون در ذهنشان این بود که باید دانشگاه را خوب مدیریت کرد تا بتوان از بحران عبور کرد. همان زمان آقای سیدنژاد، دوست احمدی‌نژاد، از طیف تربیت معلم و علم و صنعت که موتور خیابانی انقلاب فرهنگی را برعهده داشتند، به داخل سفارت آمد که درباره اهداف انقلاب فرهنگی با من صحبت کنند. بعد از کلی صحبت، من گفتم آنچه می‌خواهید انجام دهید به نظرم تصمیم خوبی نیست و به دانشگاه ضربه خواهد زد. گفتم همه اینها را می‌شود با هزینه کمتر انجام داد و مدیریت کرد. نیروهای چپ مذهبی اساسا تحت‌تاثیر شریعتی و جلال بودند و برداشتشان این بود که به‌جای پاکسازی فرهنگی، باید فرهنگ بومی را پایه‌گذاری کنیم. اما در پاسخ به این سؤال که آیا دانشگاه‌ها می‌توانستند با مدیریت فضا، آرامش را به دانشگاه‌ها بازگردانند و جلو تعطیلی را بگیرند، باید گفت که پارادایم استقلال دانشگاه از پیش از انقلاب هم مطرح شده بود. سازمان ملی دانشگاهیان هم می‌گفت دانشگاه باید مستقل باشد اما توفان قدرتمند انقلاب این اندیشه را شست و برد. فضای عمومی اجازه نمی‌داد مدیریت دانشگاه خیلی ایده‌ها و طرح‌های خودش را پیش ببرد و ناچار به تبعیت از آن فضا بود. بعد از انقلاب فرهنگی هم همان مدیریت مستقل نیم‌بند از هم پاشید.

یادداشت

آتش بیرون، به دانشگاه سرایت کرد

صادق زیباکلام
استاد سابق دانشکده فنی

من فکر می‌کنم مدیریت دانشگاه‌های بزرگ کشور و بالاخص دانشگاه تهران حتی اگر با همه وجود هم با بسته‌شدن دانشگاه‌ها مخالف بودند، چنان‌که مدیریت موقت دانشگاه تهران، دکتر کاظم ابهری، دکتر محمد ملکی، دکتر صباغیان و دکتر ترابعلی براتعلی، واقعا مخالف بسته‌شدن دانشگاه‌ها بودند ولی توان مدیریت فضای موجود را هم نداشتند مگر اینکه از بیرون دانشگاه کمکی به آنها می‌شد. مثلا رهبری حزب جمهوری‌اسلامی کسی مانند آقای هاشمی‌رفسنجانی، کسانی در بیت امام مثل حاج‌احمدآقا یا دیگر چهره‌ها و شخصیت‌هایی که به‌هرحال در جایگاه نیرومندی در هرم قدرت قرار داشتند، می‌توانستند به کمک دانشگاه‌ها بیایند تا فضا مدیریت شود. متأسفانه، چه خود اعتقاد داشتند، چه نداشتند هیچ تلاشی نکردند که جلو بسته‌شدن دانشگاه را بگیرند. الان برخی اصولگرایان مدعی هستند که حیات دانشگاه‌ها دچار مخاطره شده بود و سنگ روی سنگ بند نبود، اصلا این حرف درستی نیست، واقع مطلب این است که در آن مقطع خود من در دانشکده فنی دانشگاه تهران عضو هیأت علمی بودم. در آن مقطع از دانشکده فنی محیط و فضایی سیاسی‌تر و رادیکال‌تر وجود نداشت. گروه‌های عمده سیاسی، از مجاهدین خلق تا چریک‌های فدایی، پیکار و... همه در دانشکده فنی حضور داشتند، دفتر داشتند و رسما فعالیت می‌کردند ولی در همان مهر ۵۸ من خودم هفته‌ای دو، سه بار کلاس می‌رفتم و باوجود رقابت سنگین بین جریان‌های سیاسی، کلاس‌ها دایر و برنامه‌های آموزشی سر جای خودش بود. یادم هست یکی از بزرگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، دانشجوی فنی بود و با من کلاس داشت. از بچه‌های خط امام هم در کلاسم بودند. مسئله این بود که به‌تدریج از بیرون دانشگاه جریانی راه افتاد با این نگاه که آیا ۹۸/۵درصدی که به جمهوری‌اسلامی رأی «آری» داده بودند، موافقند که در دانشکده فنی، سازمان فلان حضور داشته باشد و از امکانات بیت‌المال استفاده کند؟ اما این به نظرم بیشتر بهانه بود. از سویی آتشی که بیرون دانشگاه درگرفته بود ناخواسته به دانشگاه سرایت کرده بود و با اینکه خود دانشجویان نمی‌خواستند دانشگاه تعطیل شود، فشارهای بیرون دانشگاه برای بستن دانشگاه خیلی زیاد بود و هدف اصلی - یا حداقل هدف اولیه و کوتاه‌مدت - این بود که دانشگاه را از وجود جریانات رادیکال سیاسی پاک کنند. مدیریت موقت دانشگاه تهران هم باوجود اینکه از وضعیت موجود شاکی بود، اما از نظر سیاسی، اعتقادی به محدودکردن جریان‌های سیاسی داخل و بستن دفاترشان نداشت.

مروری بر رویدادهای منتهی به «انقلاب فرهنگی»

دانشگاه در دست دانشجویان

مهسا جزینی

۳۴ سال از انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها گذشت. انقلابی که با هدف ایجاد تحولی اساسی در ماهیت دانشگاه‌ها ایجاد شد. درباره آثار و نتایج انقلاب فرهنگی زیاد صحبت شده، اما درباره رخدادهای پیش و آستانه آن، ناگفته زیاد است. کسی نمی‌داند مدیریت دانشگاهی ما چه نگاهی به ماجراهای آن زمان داشت. رابطه دولت با دانشگاه چگونه بود و آیا مسیری جز راه‌های پیموده‌شده نبود؟ فضای دانشگاه در کوران حوادث سال‌های نخست انقلاب، بی‌تأثیر از فضای سیاسی بیرون نبود، به‌ویژه که رویکرد دولت موقت و دولت بنی‌صدر هم به فضای حاکم بر جامعه کاملا متفاوت بود.

انقلاب موجی از آزادی‌ها را با خود به فضای آکادمیک آورده بود، فضایی که تا پیش از آن وجود نداشت. اما آزادی تجربه‌نشده، کار دست دانشجویان داد. حتی مدیران هم توان و تجربه مدیریت فضای جدید را نداشتند. کار از دستشان خارج بود. دانشجویان به هواداری از یک جریان سیاسی یا اعتقادی باهم به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند و این فضا حتی به بیرون از دانشگاه و خیابان‌های اطراف هم کشیده می‌شد. بحث‌ها از مجادلات معمول فراتر می‌رفت و گاه به درگیری کشیده می‌شد. به‌ویژه که به‌شدت از درگیری‌های فضای سیاسی بیرون متأثر می‌شد. مدیریت نوپای دانشگاهی که اکثرا به‌صورت شورایی-دموکراتیک (الگوی جدید انقلابی) اداره می‌شد، از پس ماجرا برنمی‌آمد. «احمد شیرزاد» که آن زمان عضو سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه شریف بود می‌گوید: «در دانشگاه‌هایی مثل شریف که دانشجویان از نظر فکری و عقیدتی توانمندتر بودند، از هرگونه درگیری خشونت‌بار اجتناب شد و ما توانستیم فضا را به خوبی مدیریت کنیم، اما در دانشگاه‌هایی که دانشجویانش در طبقه‌بندی، بیشتر اجرایی بودند تا تئوریک و در مباحثات و در گفت‌وگوها گاه حس می‌شد که گروه و جریانی توان اقناعی- تئوریک کمتری دارد، کار به زدوخورد و خشونت کشیده می‌شد. الگویی که در شریف استفاده می‌شد این بود که برای سخنرانی چارچوبی تهیه شده بود که بدون هماهنگی با شورای نظارتی- که زیرمجموعه شورای هماهنگی بود -امکان دعوت سخنران وجود نداشت». اما مشخص بود که این شیوه در همه دانشگاه‌ها یا پیاده نشد یا اگر شد، جواب نداد؛ تاجایی‌که هشتم اسفند ۱۳۵۸ مصطفی میرسلیم، معاون سرپرست وزارت کشور، در نامه‌ای از وزیر علوم درخواست کرد تا رؤسای دانشگاه‌ها «از اجازه‌دادن به گروه‌های سیاسی به هر عنوان برای برگزاری مراسم سخنرانی و تبلیغات سیاسی خودداری کنند».

تدابیر نافرجام

دولت موقت تا زمانی که بر سر کار بود، سعی می‌کرد به‌نوعی هم ضامن آزادی‌های سیاسی در دانشگاه‌ها باشد و هم آن را مدیریت کند، اما موفق نبود. حفظ تضارب آرا، بدون درگیری و زدوخورد و تشنج در آن فضای انقلابی، کار سختی بود تاجایی‌که مهرماه سال ۵۸، مهدی بازرگان که به همراه آیت‌الله منتظری در مراسم آغاز سال تحصیلی در محوطه زمین چمن دانشگاه تهران شرکت کرده بود، گفت: «دانشگاه باید محل برخورد عقاید باشد، دانشگاه محل برخورد عقاید بوده و از این‌پس هم باید چنین باشد و همان‌طور که امام فرمودند، ما مخالف بحث و ارائه عقاید و افکار نیستیم». امام چندروز قبل در جمع نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های سراسر کشور، دانشجویان مسلمان را از درگیری با مخالفان منع کرده و گفته بود: «سرانشان هستند که می‌خواهند آنها را وادار به هیاهو بکنند. بگویید آقا بنشین صحبت‌هایت را بکن، آن‌وقت می‌بینید هیچ صحبتی ندارند، بدون اینکه با آنها جنگ و نزاع داشته باشید، با آنها این‌گونه عمل کنید».

اما با فرارسیدن سال ۵۹ مشخص شد تدابیری که قرار بوده نظم و آرامش را به دانشگاه بازگرداند، به نتیجه نرسیده و مدیران دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه‌های مهم به استیصال رسیده‌اند. ۲۶ فروردین ۱۳۵۹، برنامه پرسش‌وپاسخ هاشمی‌رفسنجانی با دانشجویان دانشگاه تبریز به تشنج کشیده شد و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با حضور در ساختمان مرکزی دانشگاه، اعلام کردند تا زمانی که پاکسازی دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه به مرحله اجرا گذاشته نشود، ساختمان مرکزی را ترک نمی‌کنند. در پی این حادثه، تعدادی از دانشگاه‌های دیگر کشور نیز به‌طرز مشابهی به تصرف گروه‌های دانشجویی درآمد. اما اوج تحولات در تهران در دانشگاه‌هایی چون علم‌وصنعت و تربیت‌معلم و نه دانشگاه‌های بزرگی چون دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی شریف رخ داد و دانشجویان همین دانشگاه‌ها هم بعدا سردمدار رخداد انقلاب فرهنگی شدند. «احمد شیرزاد» هم با اشاره به اینکه از میان اعضای دفتر تحکیم وحدت، بیشتر دانشجویان علم‌وصنعت و تربیت معلم سر در سودای تعطیلی دانشگاه و انقلاب فرهنگی داشتند و در شرایطی که نیروهای فکری و تئوریک‌تر تحکیم درگیر تسخیر لانه و مستقر در سفارت آمریکا بودند، می‌گوید: «نیروهای دانشجویی که بیشتر اجرایی بودند تا تئوریک دنبال این ایده فرهنگی رفتند».

سال ۵۹ که رسید دولت بنی‌صدر به گروه‌ها سه روز مهلت داد که دفاتر خود را بیرون دانشگاه انتقال دهند. او گفت: «ما نمی‌خواهیم در دانشگاه هیچ‌گروهی را تصفیه کنیم یا بگوییم نفس نکشد، اما کجای دنیا یک گروهی ۵۹ اتاق در اختیار دارد و هرجور بخواهد رتق‌وفتق می‌کند؟ دانشگاه جای بحث آزاد است، اما جای تبدیل‌شدن به ستاد نیست». «بنی‌صدر» دانشجوها را تهدید کرد که در صورت تعطیل‌نکردن دفاتر، خودش وارد قضیه شود: «سه روز قرار گذاشتیم که دانشگاه را به حالت اول بازگردانند و آنها بساطشان را از دانشگاه برچینند اگر فکر کنند حرفی است که می‌زنیم بدون اینکه دنباله داشته باشد من خودم از مردم دعوت می‌کنم با خود و اعضای شورای انقلاب در دانشگاه‌ها حضور داشته باشند و ما آن ستادها را تعطیل می‌کنیم».

مدیریت دانشگاه معترض است

موضع‌گیری مدیریت دانشگاه تهران، «به‌عنوان دانشگاه مادر»، در برابر تصمیمات دولت، که در تحولات سیاسی معاصر هم نقش حیاتی و اساسی داشت، قطعا قابل‌توجه بود. برای همین اظهارنظرهای مدیریت دانشگاه تهران بیش از سایر دانشگاه‌ها رسانه‌ای می‌شد و چشم همه هم بیشتر به این دانشگاه بود. هیأت‌مدیره موقت دانشگاه تهران، اما به‌وضوح از وضع موجود راضی نبود و در اعتراض به آزادی گروهی که به دانشکده فنی حمله کرده و با پاره‌کردن پوسترها و به‌هم‌ریختن کتاب‌فروشی گروه‌های مخالف سیاسی، ایجاد رعب‌ووحشت کرده بودند، استعفا داده بود. حسن حبیبی، وزیر فرهنگ و آموزش‌عالی وقت، اما گفت استعفا پذیرفته نشد و هیأت‌مدیره سرکار باقی می‌ماند. «حبیبی» در دفاع از هیأت‌مدیره گفته بود با توجه به قراردادهایی که انقلاب، جمهوری‌اسلامی و قانون اساسی تصویب کرده بود، هیأت مدیره موقت در یکی، دو ماه اخیر با اختلال و اغتشاش‌هایی روبه‌رو بود و این مغایر با آزادی‌های اساسی است.

هیأت‌مدیره برای بار دوم، اردیبهشت‌ماه ۵۹، در اعتراض به وضع موجود، استعفا داد و دلایل استعفایش را هم حاکمیت گروه‌های سیاسی، نبود ضابطه در اداره دانشگاه‌ها از سوی شورای انقلاب و عدم مشورت با سرپرستان، اعلام کرده بود. در متن اعلامیه استعفا آمده بود: «گروه‌های سیاسی، نزدیک به ۱۸۰ اتاق را اشغال کرده و به دفتر فعالیت‌های سیاسی خود بدل کرده‌اند. نمایندگان دانشجویی در شوراهای هماهنگی دانشکده‌ها به‌جای اینکه از کلاس‌ها و گروه‌های آموزشی باشند و به کلاس‌های آکادمیک بپردازند، از گروه‌های سیاسی وابسته به یک حزب و سازمان‌اند؛ مثلا برای تقسیم‌بندی دیوارهای دانشکده به‌منظور نصب اعلامیه‌های خود، ساعت‌ها در شوراها بحث کرده‌اند، اما کوچک‌ترین قدمی در راه اعتلای آموزش دانشکده‌ها برنداشته‌اند. برخی حتی مدعی شده‌اند دانشگاه برای دانشجوست و اگر شوراهای هماهنگی تصمیم بگیرند، حتی باید همه اتاق‌ها به آنها اختصاص داده شود».

در انتهای نامه هم با اشاره به اینکه لایحه استقلال دانشگاه، اول تابستان ۵۸ از سوی دانشگاه تهران به دولت داده شده بود، آمده بود: «اما خبری از تصویب و ابلاغ آن نیست و مسائل و مشکلات جدیدی برای ما به وجود آمده است». درواقع هیأت‌مدیره دانشگاه تهران با وجود همه نارضایتی خود از وضع موجود، نسبت‌به رویکرد دولت درباره تعطیلی دفاتر گروه‌ها در دانشگاه‌ها اعتراض داشت، درحالی‌که کلیت آن را درست می‌دانست، اما معتقد بود به‌موقع نبوده و حتی برای این کار با سرپرستان دانشگاه‌ها هم مشورتی نشده است.

ادامه در صفحه ۷

هاشمی‌رفسنجانی و انقلاب فرهنگی

در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹، برنامه پرسش و پاسخ «هاشمی‌رفسنجانی» با دانشجویان دانشگاه تبریز به تشنج کشیده شد و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه، اعلام کردند تا زمانی که پاکسازی دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه به مرحله اجرا گذاشته نشود، ساختمان مرکزی را ترک نمی‌کنند. در پی این حادثه، تعدادی از دانشگاه‌های دیگر کشور نیز به‌طرز مشابهی به تصرف گروه‌های دانشجویی درآمد. بسیاری معتقدند این ماجرا تأثیر سرنوشت‌سازی در رخداد انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها داشت. «مسعود پزشکیان» که آن زمان دانشجوی پزشکی دانشگاه تبریز بوده روایت خود را از ماجرای آن‌روز به «ایسنا» گفته است: «روزی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را دعوت کرده بودند که برای سخنرانی به دانشگاه تبریز بیاید، ما هم آن زمان دانشجوی دانشکده پزشکی بودیم و چون این دانشکده در آن زمان منسجم‌تر بود و قدرت بیشتری داشت، قرار شد که ایشان در این دانشکده سخنرانی کند؛ چراکه در دانشکده‌های دیگر دانشگاه تبریز بیشتر گروه‌های چپی و مجاهدین حضور داشتند و تنها دانشکده‌ای که در هیأت‌های محلی نیرو و قدرت و فضا داشت و کار می‌کرد، دانشکده پزشکی بود و با تصور اینکه ممکن است آقای هاشمی را اذیت کنند ایشان را به دانشکده ما آوردند. البته بر در و دیوار دانشگاه هم شعارهایی علیه آقای هاشمی‌رفسنجانی نوشته بودند از همان حرف‌هایی که این روزها هم عده‌ای که خود را مسلمان می‌دانند بر زبان می‌آورند؛ آن زمان نیروهای چپی و پیشگام‌ها و پیکاری‌ها و توده‌ای‌ها و مجاهدین این حرف‌ها را می‌زدند و امروز هم ظاهرا برخی ادعا می‌کنند مسلمانند و همان حرف‌ها را تکرار می‌کنند. برخوردی که آن روز با آقای هاشمی‌رفسنجانی شد برای ما خیلی سنگین بود؛ چراکه به هر حال آن زمان ایشان نماینده تام‌الاختیار حضرت امام(ره) در شورای انقلاب و بسیاری دیگر از جاها بودند. در هر صورت آن جلسه با حضور بسیاری از گروه‌های مختلف چپی و توده‌ای برگزار شد و بعد از صحبت‌های آقای هاشمی جلسه به‌هم خورد و ایشان را به طریقی از جلسه خارج کردند و بعد از آن دعوا آغاز شد و کارمندان دانشگاه هم با دانشجویان یکی شدند و در دانشگاه راهپیمایی کردند، در نهایت در دانشگاه بسته و مطرح شد در دانشگاهی که یک عده افرادی که در این حکومت هیچ حقی ندارند اجازه نمی‌دهند افرادی که در این حکومت هستند حرف بزنند دیگر دانشگاه نیست. به این ترتیب در ساختمان مرکزی دانشگاه، دانشجویان تحصن کردند و پس از آن با پیام حضرت امام(ره)، دانشگاه‌ها اعلام همبستگی کرده و کلا بسته شدند.»

آینه دیروز

۹سال پیش درچنین روزی

اطلاعات

- در گفت‌وگوی اختصاصی مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد با اطلاعات تشریح شد- تصمیمات جدید درباره حمایت از مطبوعات و روزنامه‌نگاران- صدور کارت خبرنگاری توسط وزارت ارشاد منافاتی با صدور کارت خبرنگاری توسط خود رسانه‌ها نخواهد داشت- کمیته‌ای در وزارت ارشاد با مشارکت اصحاب رسانه طرح رتبه‌بندی و ساماندهی خبرنگاران کشور را اجرا خواهد کرد- از شش‌ماهه دوم سال جاری پرداخت یارانه مطبوعات از صورت حواله کاغذ به پرداخت نقدی تغییر خواهد کرد.
- در سال ۱۳۸۴-۳/۹ درصد از بودجه دولت به یارانه اختصاص یافت
- برنامه‌های دولت برای جهش در تولید و صادرات محصولات پتروشیمی- پارسال ۷۰۰ میلیارد تومان رانت ناشی از قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی به جیب دلالان رفت و امسال این رقم به دوهزار میلیارد تومان می‌رسد- صادرات محصولات پتروشیمی امسال با صد درصد افزایش نسبت به سال گذشته به ۵/۴ میلیارد دلار می‌رسد
- عربستان برای تأمین ذخایر استراتژیک نفت چین اعلام آمادگی کرد
- سلطانیه: پرونده هسته‌ای ایران گروگان آمریکاست
- سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد: ۱۱۳ نفر قربانی آنفلوانزای مرغی شده‌اند

شرق

- حکمیت بهزاد نبوی و عسگراولادی در خانه احزاب (بهزاد نبوی، عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب و حبیب‌الله عسگراولادی، دبیرکل پیشین حزب موتلفه، دو چهره شاخص جناح‌های موسوم به «چپ» و «راست» سنتی، مدتی قبل با هم دیدار کردند تا مشکلات پیش‌آمده در انتخابات دور سوم خانه احزاب را به سمت حل‌شدن ببرند)
- تشدید فعالیت‌های دیپلماتیک ایران در روزهای پایانی فرصت شورای امنیت- آصفی: طرح روسیه روی میز است
- منشور جبهه دموکراسی‌خواهی آماده شد (منشوری که هفته گذشته «مصطفی معین» از پایه‌گذاران جبهه دموکراسی‌خواهی، پیش‌نویس آن را به قم برد تا مراجع تقلید را در جریان محتوا و مبنای فعالیت این جبهه جدید سیاسی قرار دهد)

جمهوری اسلامی

- رئیس‌جمهور سودان در آستانه سفر به تهران: دست‌یابی ایران به غنی‌سازی اورانیوم پیروزی امت اسلامی است.
- عمر البشیر: اهداف ایران در برخورداری از انرژی هسته‌ای اهداف صلح‌آمیز است
- درآمد ۳ ماهه نفتی ایران از ۱۳ میلیارد دلار گذشت
- گفت‌وگوی تلفنی رؤسای‌جمهور ایران و پاکستان درباره خط لوله گاز

همشهری

- احتمال توافق اولیه ایران و روسیه در طرح غنی‌سازی مشترک دو کشور
- سخنگوی وزارت امورخارجه اعلام کرد- طرح پیشنهادی جدید ایران به روسیه
- سازمان ملی جوانان اعلام کرد: سن ازدواج جوانان به ۲۹ سال افزایش یافت

کیهان

- قرارداد صدور گاز به هند و پاکستان خرداد امضا می‌شود
- در پی نشست دمشق اعلام شد- همبستگی ۱۰ گروه فلسطینی با دولت حماس
- تیم ملی تکواندو نایب‌قهرمان آسیا شد
- ایران ۵۰ تن خاویار صادر می‌کند

اعتماد ملی

- با تصویب طرح مجلس صورت می‌گیرد- جریمه سنگین برای استفاده‌کنندگان از ماهواره
- پس از ۸ سال از آتش‌سوزی سینما- ساخت آزادی شروع می‌شود
- بحران‌های فرانسه به‌نفع راست افراطی است- خیز «لوپن» به سمت ریاست‌جمهوری
- تهدید شورشیان چچن برای حمله به روسیه

ایران

- در نخستین نشست خبری پس از تشکیل دولت عراق اعلام شد- تأکید سران بغداد و سفیر آمریکا به مذاکره با ایران
- بن‌لادن: غرب جنگ صلیبی به راه انداخته است
- رئیس‌جمهوری در جلسه هیأت‌وزیران: ترویج حجاب اسلامی نیاز به برخورد آمرانه ندارد
- تهران پیروزی پرودی را تبریک گفت (معاون اول رئیس‌جمهوری در پیام تبریکی به نخست‌وزیر جدید ایتالیا ابراز امیدواری کرد در دوره نخست‌وزیری «رومانو پرودی» همکاری‌های تهران-رم در بخش‌های مختلف وارد دوره نوینی شود)
- پیام تبریک احمدی‌نژاد به طالبانی
- مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی: صادرات پتروشیمی امسال دوبرابر می‌شود